

نقش شهروندگرایی فراملی در حاکمیت دولت‌های محلی (مطالعه موردی: کشورهای فرانسه و ایران)

مهدی براتعلی‌پور^۱، کمال ثریا^۲

۱-دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، Baratalipour@yahoo.com

۲-دانشجوی دکتری مسائل ایران، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، kna.sorayya@gmail.com

چکیده

شهروندگرایی فراملی در مفهوم جدید خود، در پی تامین رضایت حداکثری شهروندان است. از این رو، این الگو به نظام‌های دموکراتیکی تعلق دارد که مشارکت شهروندان و مدیریت پاسخگوی شهری جزء مولفه‌های اصلی آنها به شمار می‌آید. واکاوی نقش شهروندگرایی فراملی بر حاکمیت دولت‌های محلی، توجه به دگردیسی این مفهوم، مفهوم‌شناسی دولت‌های اصلی آن و مولفه‌های آن، رابطه این دولت‌ها با دولت مرکزی، مفهوم‌شناسی شهروندگرایی فراملی و مولفه‌های اصلی آن و تفاوت آن با مشتری‌مداری را ضروری می‌سازد. استدلال‌ها بر تاثیر شهروندگرایی فراملی بر حاکمیت دولت‌های محلی از رهگذر بررسی نظری و جامعه‌شناختی الگوی شهروندگرایی فراملی در فرانسه و ایران انجام می‌پذیرد. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که اولاً؛ مشارکت شهروندان تضمینی برای بقای دولت‌های محلی است. ثانیاً؛ دگردیسی در مفهوم حاکمیت تلاش دولت‌های محلی را برای مشارکت بیشتر شهروندان به منظور افزایش و تقویت حاکمیت خود موجب می‌شود. و در نهایت؛ شهروندگرایی فراملی می‌تواند به تقویت حاکمیت دولت‌های محلی رهنمون گردد.

کلید واژه‌ها: شهروند گرایی، دولت‌های محلی، دموکراسی محلی، مشارکت شهروندان، حاکمیت دولت‌ها

۱-مقدمه

دولت‌های دموکراتیک برای بقا و تامین مشروعیت خود، همواره به دنبال افزایش مشارکت مردم در امور جاری خویش هستند. بطور کلی مشارکت مردم علاوه بر رضایتمندی مردم و افزایش کارآمدی نظام سیاسی، موجبات کاهش وظایف فرعی و سطحی دولت‌ها را فراهم می‌آورد چرا که با تفویض بخشی از اختیارات به مردم دولت‌ها می‌توانند با فراغت بال بیشتری برنامه‌ها و سیاست‌های کلان خود را پیگیری و اجرا کنند. یکی از راهکارهای که موجب افزایش مشارکت مردم و کاهش مسئولیت دولتمردان می‌شود ایجاد دولت‌های محلی^۱ است که ضمن توجه به خواست‌ها، علایق و نیازهای مردم آن منطقه، به نوعی مجری احکام دولت‌ها در آن منطقه نیز می‌باشد. از طرف دیگر بسط و گسترش مشارکت مردم در امور کم‌اهمیت سیاسی نظیر مسائل منطقه ای، شهری یا اجتماعی موجب نهادینه شدن هر چه بیشتر دموکراسی در جامعه می‌شود. لذا ذکر این نکته در اینجا ضروری می‌نماید که در ظاهر، گسترش هر چه بیشتر ارزش‌های دموکراتیک و اعطای اختیار به شهروندان، باعث افزایش مشارکت آنان در مسائل جامعه می‌شود، که این افزایش اختیار و به تبع آن مشارکت، به ظاهر موجب کاهش حاکمیت دولت‌های محلی می‌شود. با توجه به مباحث اشاره شده سوال اصلی مقاله آن است که «شهروندگرایی^۲ چه تاثیری بر حاکمیت دولت‌های محلی دارد؟ فرضیه پیشنهادی نیز آن است که «با توجه به اینکه شهروند گرایی باعث تقویت نقش شهروندان و افزایش مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های محلی می‌گردد لذا می‌توان گفت که گسترش مشارکت شهروندان موجب کاهش حاکمیت دولت‌های محلی می‌گردد».

برای تبیین این مدعا ابتدا باید دولت‌های محلی و رابطه آن با دولت‌های مرکزی بیان شود تا حیطه حاکمیتی دولت‌های محلی مشخص گردد؛ سپس با واکاوی مولفه‌های تشکیل دهنده دولت محلی، مولفه‌های شهروندگرایی مطرح می‌گردد و پس

^۱ Local government.

^۲ Citizen orientation.